

An Analysis of Speech Acts in Quranic Citations from Safavid Era Sources (A Case Study of Tarikh-e Jahanara-ye Abbasi)

Received: 2023/12/31
Accepted: 2024/08/04

10.22034/jksl.2024.433390.1305



Abdollah Motavalli *

20.1001.1.27833356.1403.5.3.6.8



Reza Mohammadi **

Type of Article: Research

Abstract

The Safavid period is considered one of the significant eras in Iranian history. Understanding the characteristics of this period is possible through the preserved texts. Many frequently used concepts in these texts align closely with the religious approaches dominant within the power structure. The extensive use of Quranic verses and hadiths, especially those that underscore Shia rituals, is prominent in these writings. Among the notable sources from this period is the book Jahanara-ye Abbasi. This study aims to analyze the speech acts and Quranic citations of this text using a descriptive-analytical method and both quantitative and qualitative data, addressing the question: How are Quranic citations employed in this book, and what is the frequency of each speech act? It appears that, given the explanatory and descriptive approach of the writers and historians of the Safavid era, the most frequent type of speech act in the Quranic citations of Tarikh-e Jahanara-ye Abbasi is assertive speech acts.

Keywords: Speech Act Theory, John Searle, Quranic Citations, Safavid Era, Tarikh-e Jahanara-ye Abbasi.

How to cite:

motevali, A., & mohammadi, R. (2024). An Analysis of Speech Acts in Quranic Citations from Safavid Era Sources (A Case Study of Tarikh-e Jahanara-ye Abbasi). *Quran, Culture And Civilization*, 5 (3), 119 -136. doi: 10.22034/jksl.2024.433390.1305

* Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Arak University, Arak, Iran.

** Postdoctoral Researcher, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Arak University, Arak, Iran (Author Corresponding). reza.muhammadi90@gmail.com



تحلیل کنش‌های گفتاری در استنادات قرآنی منابع دوره صفویه
(مطالعه موردی تاریخ جهان‌آرای عباسی)



عبداله متولی*
رضا محمدی**

10.22034/jksl.2024.433390.1305 doi
20.1001.1.27833356.1403.5.3.6.8

دریافت: ۱۴۰۲-۱۰-۱۰
پذیرش: ۱۴۰۳-۰۵-۰۱

مقاله: پژوهشی

چکیده

دوره صفویه یکی از ادوار مهم تاریخ ایران محسوب می‌شود. درک ویژگی‌های تاریخ این روزگار از خلال متون برجای مانده امکان‌پذیر است. برخی مفاهیم پرکاربرد متون برجای مانده با رویکردهای مذهبی مسلط بر ساختار قدرت همخوانی جدی دارد. کاربرد فراوان آیات و روایات، به خصوص مواردی که هویت‌بخش شعائر شیعه است، در این مکتوبات خودنمایی می‌کند. از جمله منابع شاخص این دوره کتاب جهان‌آرای عباسی است. نوشتار پیش رو در نظر دارد با روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از داده‌های کمی و کیفی، به تحلیل کنش‌های گفتاری و استنادات قرآنی کتاب مزبور بپردازد و به این پرسش پاسخ دهد که استنادات قرآنی این کتاب چگونه و بسامد هر کنش‌گفتار به چه میزان است؟ به نظر می‌رسد با توجه به رویکرد تشریحی و توضیحی نویسندگان و مورخان دوره صفویه، بیشترین کنش گفتاری استنادات قرآنی کتاب تاریخ جهان‌آرای عباسی از نوع کنش اظهاری است.

واژگان کلیدی: نظریه کنش گفتاری، جان سرل، استنادات قرآنی، دوره صفویان، تاریخ جهان‌آرای عباسی.

استناد به مقاله:

متولی، عبدالله؛ و محمدی، رضا. (۱۴۰۳). تحلیل کنش‌های گفتاری در استنادات قرآنی منابع دوره صفویه (مطالعه موردی تاریخ جهان‌آرای عباسی). فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، ۵(۳)، ۱۱۹-۱۳۶. doi: 10.22034/jksl.2024.433390.1305



* استاد گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران.
** پژوهشگر پسا دکتری گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران (نویسنده مسئول). reza.muhammadi90@gmail.com

۱. بیان مسئله

تاریخ‌نگاری در دوره صفویان، ادامه سنت تاریخ‌نگاری ایرانی از دوره باستان تا قاجار بود؛ اما تعیین مذهب شیعه به‌عنوان مذهبی رسمی کشور در این دوره، بر نوع اندیشه تاریخ‌نگاری آن نیز تأثیر گذاشت. مورخان در این دوره با ادامه روش تاریخ‌نگاری تیموری، اما با تأکید بر حقانیت مذهب تشیع، آثار مکتوب فراوانی از خود بر جای نهادند. از ویژگی‌های تاریخ‌نگاری دوره‌های قبل و به‌تبع آن دوره صفویه، استفاده از آیات قرآن و استناد به آن در مواضع مختلف بوده است.

مؤلفان دوره صفویه در جای‌جای مباحث، به مناسبت‌های سیاسی، مذهبی، نظامی و اجتماعی از آیات استفاده می‌کردند و در تبیین مسائل تاریخی به آیات قرآن توجه زیادی داشتند (آرام، ۱۳۸۶، ص ۳۲۱). در دوره صفوی استفاده از آیات قرآن در تاریخ‌نگاری با محوریت اندیشه صوفی‌شیعی ادامه داشت و به لحاظ تعداد و نوع، نسبت به منابع پیش از خود از کاربرد فراوانی برخوردار بود. به نظر می‌رسد دلایل این امر را علاوه بر انذار و تحذیر (لاهیجی، ۱۳۵۲، ص ۱۹) و اتکای تاریخ‌نویسی کلام‌انگاران به منابع معرفت‌شناختی همچون عقل و نقل معتبر، باید در قدرت نفی و اثبات محکمی دانست که در کهنه چنین رویکردی قابل مشاهده است. هواخواهان و مخالفان صفویان کوشیدند با بهره‌گیری از چنین روشی، ضمن تأیید و اثبات گرایش‌های سیاسی و عقیدتی خود، مبانی مشروعیت‌بخش مذهبی این دولت را اثبات یا رد کنند. موضوع هسته اصلی روایات، نقش مهمی در نوع روش به‌کارگرفته‌شده داشت (قاسمی و بنشاخته، ۱۴۰۰، ص ۱۰۵)؛ از این رو تحلیل کنش‌های گفتاری در استنادات قرآنی منابع عصر صفوی، نه تنها برای فهم دقیق‌تر متون دینی و تاریخی آن دوره اهمیت دارد، بلکه می‌تواند درک ما را از نحوه تعامل علما و مردم با متون مقدس و نقش آن در جامعه آن زمان عمیق‌تر کند. بررسی کنش‌های گفتاری در استنادات قرآنی منابع عصر صفوی، ما را با چگونگی تفسیر و تأویل آیات و روش‌های استدلال و بحث‌های کلامی آشنا می‌سازد. این مطالعه نه تنها برای محققان علوم دینی و تاریخ اسلامی، بلکه برای علاقه‌مندان به زبان‌شناسی و تحلیل گفتمان نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. این تحلیل می‌تواند به ما در فهم بهتر ساختارهای فکری و فرهنگی که بر جامعه صفوی تأثیر گذاشته است، کمک کند.

این مقاله در سه بخش اصلی سازماندهی شده است. ابتدا با معرفی و تعریف کنش‌های گفتاری و استنادات قرآنی کتاب تاریخ جهان‌آرای عباسی آغاز می‌شود، سپس به تحلیل موردی کنش‌های گفتاری در این کتاب می‌پردازد و نحوه استفاده از قرآن به‌عنوان ابزاری برای تقویت استدلال‌ها و نظریات را بررسی می‌کند و در نهایت به جمع‌بندی یافته‌ها و نتیجه‌گیری می‌پردازد.

درباره پیشینه پژوهش باید گفت هر چند محققان کارهای ارزنده‌ای درباره تاریخ‌نگاری در دوره صفویه صورت داده‌اند، به موضوع آیات قرآن در تاریخ‌نگاری این عصر با رویکرد کنش‌گفتاری کمتر پرداخته‌اند. با این حال چند مقاله به‌صورت جزئی به این موضوع پرداخته است. از جمله این آثار می‌توان به این موارد اشاره کرد: مقاله «بازتاب رویکردهای مذهبی در مراسلات عصر صفوی» از عبدالله متولی (۱۳۹۱) اشاره کرد که نویسنده تنها به کارکرد آیات و روایات در مراسلات عصر صفوی پرداخته است. مقاله «اسکندریک ترکمان و آیه‌نگاری اش در عالم‌آرای عباسی» نوشته عظیمه پاینده و علی‌اکبر جعفری (۱۳۹۷). نویسندگان در این مقاله به تاریخ‌نگاری در عصر صفویه و سبک و ویژگی‌های فکری و فرهنگی تاریخ‌نگاری این دوره پرداخته و آیه‌نگاری در تاریخ‌نویسی ایران دوره اسلامی را معرفی و پیشینه آن در تاریخ‌نگاری را بررسی کرده‌اند. مقاله «تأثیر عناصر کلامی در بینش و روش تاریخ‌نویسی دوره صفویه» از علی قاسمی و محمد بنشاخته (۱۴۰۰). نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که به سبب اتکای تاریخ‌نویسی کلام‌انگاران به منابع معرفت‌شناختی همچون عقل و نقل معتبر، قدرت نفی و اثبات محکمی در کهنه چنین رویکردی وجود داشته است. هواخواهان و مخالفان صفویان کوشیدند با بهره‌گیری از چنین روشی، ضمن تأیید و اثبات گرایش‌های سیاسی و عقیدتی خود، مبانی مشروعیت‌بخش مذهبی این دولت را اثبات یا رد کنند. موضوع هسته

اصلی روایات، نقش مهمی در نوع روش مورد استفاده داشته است. مقاله «تحلیل کنش های گفتاری در استنادات قرآنی منابع دوره صفویه (مطالعه موردی کتاب خلد برین)» از عبدالله متولی و رضا محمدی. نتایج این پژوهش نشان می دهد بسامد فراوان کنش های اظهاری در متن نشانه آن است که نویسنده قصد دارد به صورت شفاف و مستقیم حقایق و اطلاعات را به خواننده منتقل کند و این نوع کنش گفتاری در متون تاریخی و خبری بسیار رایج است. مقاله «تحلیل کنش های گفتاری در استنادات قرآنی منابع دوره صفویه (مطالعه موردی تاریخ ایلچی نظام شاه) از علی غفرانی، رضا محمدی و آسیه حسینی. نتایج این پژوهش مثل مورد قبل نشان می دهد هرگاه کنش های اظهاری بیشترین بسامد را در متن داشته باشد، نشانه آن است که نویسنده قصد دارد به صورت شفاف و مستقیم، حقایق و اطلاعات را به خواننده منتقل کند.

۲. نظریه کنش گفتاری

نظریه کنش گفتاری یکی از مهم ترین نظریه های زبان شناسی است که آستین اراانه کرد و جان سرل^۱ آن را بسط داد. این نظریه روابط بین زبان و اعمال اجتماعی را بررسی و بر این نکته تأکید می کند که گفتارها و عملکردهای زبانی از مجموعه ای از نمادها و ساختارها بیشتر است؛ بلکه از اهمیت اجتماعی و فرهنگی برخوردار است. نظریه کنش گفتاری بر این اصل تأکید می کند که زبان و گفتار به عنوان وسیله ای برای انجام عملکردهای اجتماعی و تعاملی استفاده می شود. این نظریه بر این ایده متمرکز است که زبان و گفتار، نه تنها برای انتقال اطلاعات و مفاهیم، بلکه برای انجام اعمال و ایجاد ارتباطات اجتماعی نیز استفاده می شود. به عبارت دیگر، از نظر نظریه کنش گفتاری، گفتار و زبان ابزارهایی برای انجام عملکردهای اجتماعی و فرهنگی است (Green, 2020, p.1).

یکی از مفاهیم اساسی در نظریه کنش گفتاری، مفهوم «عمل گفتاری» است. به طور کلی، عمل گفتاری به تمامی اعمال و فعالیت هایی اشاره دارد که از طریق زبان و گفتار انجام می شود. این اعمال می تواند شامل اظهار نظر، پرسش و پاسخ، توصیف، دعوت، تهدید، تعهد، تبریئه و مانند آن باشد. در واقع، هر بیانی انجام شود و اثر متقابلی بر فرد یا افراد دیگر داشته باشد، می تواند در نظریه کنش گفتاری به عنوان یک عمل گفتاری در نظر گرفته شود (Fotion, 2014, p. 61,62).

در نظریه کنش گفتاری، واحد زبانی اصلی کنش گفتار است که به شکل پاره ای از گفتار یا نوشتار، توسط یک فرد خاص برای یک فرد دیگر در یک محیط خاص ایجاد می شود. یک کنش گفتار از سه جزء تشکیل شده است: شیوه سخن گویی، پیام کلامی و پس بیانی. شیوه سخن گویی به ویژگی های صوتی و معنایی جمله اشاره دارد. پیام کلامی به اهداف و مقاصد ارتباطی گوینده اشاره دارد و پس بیانی تأثیر بر مخاطب را توصیف می کند (Green, 2020, p.1).

جان آر. سرل، از مهم ترین نظریه پردازان نظریه کنش گفتاری، برای کنش های گفتاری پنج گونه اساسی نام می برد (dirven, R. & Verspoor, 2004, p.152) و تمایزاتی را به شرح زیر برای آنها بیان می کند:

۱. کنش اظهاری: ^۲ در این کنش گفتارها، گوینده عقیده خود را درباره صحت و سقم مطلبی اظهار می دارد. کنش های اظهاری در قرآن کریم بیشترین فراوانی را دارد و در بسیاری از سوره ها و آیات یافت می شود.

۲. کنش تحریکی یا ترغیبی: ^۳ هدف از کنش آن، ترغیب مخاطب برای انجام کاری و قرار دادن وی در حالت تکلیف و اجبار برای انجام عملی است.

1. John Searle.
2. Assertive.
3. Directives.

۳. کنش التزامی یا تعهدی: ^۱ هدف و نکته اصلی در این کنش گفتار آن است که گوینده با اظهار جمله، خود را با درجات متفاوت برای انجام دادن عملی در آینده متعهد می کند.

۴. کنش ابرازی یا عاطفی: ^۲ کنشی است که در آن حالت روحی و روانی و احساسات گوینده بیان می شود. گوینده احساس خود را از طریق قدردانی کردن، تشکر کردن، عذرخواهی کردن، تبریک گفتن، ناسزا گفتن و مانند آن بیان می دارد.

۵. کنش اعلامی یا اعلانی: ^۳ کنش گفتار اعلامی اعلام شرایط تازه برای مخاطب است. گوینده با اعلام های خود تغییرات جدید را ایجاد می کند. این کنش بر انطباق زبان و جهان خارج استوار است و زمانی اتفاق می افتد که گوینده قدرت و صلاحیت بیان اتفاقات جدید را داشته باشد (عابدینی، ۱۳۹۸، صص ۵۲-۵۳).

این پنج کنش گفتاری ابزارهای زبانی خاصی است که به وضوح کنش گفتار مورد نظر را نشان می دهد. مثلاً فعل هایی مانند تبریک گفتن، اصرار کردن، هشدار دادن یا خواستن می تواند نشان دهد کدام کنش گفتار استفاده می شود. ادبیاتی مثل «من قول می دهم» یا «من تو را می بخشم»، بار منظور گوینده را نشان می دهد. این ابزارهای زبانی به عنوان «گفته های کنشی» شناخته می شود؛ زیرا در فرم اول شخص مفرد، اظهار، فعل حال و اخباری فعال است. قید «بدین وسیله» اغلب می تواند به آن ها اضافه شود. به علاوه، بار منظوری به ابزارهای دیگری اشاره دارد که می تواند استفاده شود. به عنوان مثال، اداتی مانند «لطفاً» برای تقویت یک درخواست، می تواند این کنش را بهتر انجام دهد؛ مانند سه نوع جمله اصلی که خبری و استفهامی و امری است (Yule, 1996, p.54).

کنش های گفتاری که شبیه به جملات است، ممکن است به عنوان یک درخواست عمل کند و کنش های گفتاری که شبیه به اعلان هاست، ممکن است به عنوان یک هشدار یا تهدید ایفای نقش نماید. سرل در کنار کنش های مستقیم، به کنش های گفتاری غیرمستقیم نیز اشاره می کند (Searle, 1966, p.30). گویندگان در کنش های گفتار غیرمستقیم، یک کنش گفتار (کنش اولیه) را از طریق کنش گفتار دیگر (کنش ثانویه) اعمال می کنند. هر دو کنش گفتار باید ارزیابی شوند و تنها زمانی می توان آن ها را فهمید که به صورت دو جمله متقابل که یکی به دیگری وابسته است، در نظر گرفته شوند. این کنش های گفتار غیرمستقیم ممکن است مجدداً بسیار قراردادی و وابسته به اصول مشارکت زبانی باشند و در ارزیابی ادب زبانی نقش حیاتی ایفا کنند. به عنوان مثال، جمله «می شود لطفاً نمک را به من بدهید؟» یک درخواست ساده است. این درخواست شنونده را بیشتر وامی دارد تا نمک را به گوینده بدهد، تا اینکه در پاسخ بگوید: «بله».

۳. معرفی کتاب تاریخ جهان آرای عباسی

تاریخ جهان آرای عباسی از مهم ترین منابع فارسی روزگار صفویه به ویژه حکومت شاه صفی و شاه عباس دوم است و به قلم میرزا محمدطاهر وحید قزوینی، مورخ دربار شاه عباس دوم، به درخواست سید علاءالدین خلیفه سلطان، وزیر اعظم شاه، نگاشته شده و به تصحیح و تعلیق سیدسعید میرمحمدصادق به چاپ رسیده است. از این اثر با عناوین دیگری همچون تاریخ جدید، تاریخ عباسی، نصف جهان فی تعریف اصفهان، تاریخ شاه عباس ثانی، تاریخ شاه عباس دوم، تاریخ وحید و عباسنامه نیز یاد شده است. این کتاب با پیش گفتار مصحح و مقدمه مؤلف آغاز و مطالب در سه باب عمده و باب دوم در چندین فصل مطرح شده است. تاریخ جهان آرای عباسی به نثری روان و ساده و به

1. Commissives.
2. expressives
3. declarations

صورت وقایع نگاری سال به سال نوشته شده است. مؤلف شخصی ادیب و محقق بوده و به واسطه شغل و معلومات خویش، تسلط بر ادب عصر خود را به نمایش گذارده است. شیوه نگارش کتاب به سبک نثر مسجع و کلام موزون در غالب مطالب، گواه صادق این مدعاست. مؤلف بنا به مقتضای کلام، اشعاری را در ضمن ذکر وقایع آورده که بیشتر از خود او و بعضی از معاصران اوست. از آیات، احادیث، ضرب‌المثل‌ها و اشعار عربی نیز استفاده شده است. این اثر فقط شرح وقایع و سوانح نیست و هر جا فرصتی دست داده، اطلاعات جامعی در زمینه اوضاع جغرافیایی و اقلیمی و اجتماعی، به‌ویژه شخصیت‌های مهم کشوری، لشکری، انواع مشاغل و مناصب، ایلات و طوایف به دست می‌دهد. در نتیجه ویژگی‌های یادشده، این کتاب به صورت منبعی دست اول و جامع درباره وقایع، تحولات، اوضاع تاریخی و جغرافیایی، طبقات اجتماعی و دیگر امور رایج در آن سال‌ها در آمده است.

مؤلف در ابتدا به بیان نحوه تألیف کتاب، شرح ولادت شاه‌عباس دوم و نسب او پرداخته است. او باب اول به ذکر مختصری از احوال اجداد صفویه از امیر فیروزشاه زرین‌کلاه تا آغاز سلطنت صفویه می‌پردازد. باب دوم برآمدن شاه اسماعیل صفوی تا جلوس شاه‌عباس دوم را در شش فصل دنبال می‌کند: ۱. احوال نواب خاقان سلیمان‌شان، ۲. احوال شاه‌طهماسب، ۳. جلوس اسماعیل ثانی ۴. نواب سکندرشان، ۵. در جلوس نواب گیتی‌ستان، ۶. بیان نواب شاه‌صفی. شرح جنگ چالدران، وقایع خراسان، تسخیر ولایات شروان و گرجستان، سوانح آذربایجان و خوارزم و سوانح بزرگ و کوچکی که در آن ایام اتفاق افتاده، از جمله مطالب این باب است. باب سوم نحوه جلوس شاه‌عباس دوم و شرح وقایع زمان اوست (۱۰۵۲-۱۰۷۵ق)؛ وقایعی چون مناقشه والی گرجستان با طهمورث، آمدن سفرای روم به دربار ایران، به قتل رسیدن میرزاتقی اعتمادالدوله، از دست رفتن قندهار، آمدن سفیران و ولیعهد هندوستان به دربار و وقایع دیگری که در ایام جلوس شاه اتفاق افتاد.

مؤلف چون مورخ درباری بوده، بر تاریخ روزگار خود آگاهی و بصیرت داشته و آنچه را نگاشته، مبتنی بر آگاهی شخصی و اسناد دست اول است. بخش سوم کتاب که مؤلف خود شاهد وقایع بوده، فاقد تاریخ است و از نظر ترتیب و تنظیم وقایع تا اندازه‌ای ضعیف است (دانشنامه جهان اسلام، ج ۶، ص ۲۱۴).

کتاب تاریخ جهان‌آرای عباسی به فراخور موقعیت‌های مختلف به آیات قرآن استناد می‌کند. فهرست این آیات در انتهای کتاب و در صفحات ۷۹۱ تا ۷۹۳ آمده است. در ادامه ابتدا به ه بافت تاریخی برخی از آیات اشاره و آنگاه آیات مورد نظر با رویکرد کنش‌گفتاری بررسی می‌شود.

۴. بافت و زمینه تاریخی استنادات قرآنی کتاب تاریخ جهان‌آرای عباسی

همان‌طور که گفته شد، در نظریه کنش‌گفتاری، تنها معنای ظاهری عبارات موردتوجه نیست؛ بلکه شرایط زمانی، مکانی، فرهنگی و سیاسی که از آن به‌عنوان «بافت» یاد می‌شود نیز دارای اهمیت است و شامل ناگفته‌های یک متن می‌شود (پارمحمدی، ۱۳۸۵، ص ۳۵)؛ بنابراین از آنجا که بافت موقعیت در نظریه کنش‌گفتار از اهمیتی ویژه برخوردار است، لازم است بافت آیات مورد استناد را بررسی کنیم. با توجه به زیاد بودن تعداد آیات، تنها به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

آیه ۲۵ سوره بقره^۱ «جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» از جمله استنادات پرتکرار در کتاب تاریخ جهان‌آرای عباسی است (قزوینی، ۱۳۸۳، ص ۲۴، ۳۰۷، ۷۱۴). این آیه در وصف بهشت است و بنابراین کنش‌گفتاری مستقیم آن اظهاری است و در متن نامه شاه‌عباس ثانی به اورنگ‌زیب پادشاه هندوستان و عزم آن پادشاه بر تصرف قندهار به آن اشاره شده است. شاه‌عباس چند بار در سال‌های ۱۰۵۹، ۱۰۶۴ و

۱. و جاهای دیگر قرآن.

۱۰۶۸ق، بر سر قندهار با لشکریان پادشاه هند جنگید و جز شش ماه (در سال ۱۰۶۸ق) که قندهار توسط هندیان تصرف شد، همواره فاتح بود. در دوره صفویه شهر قندهار به دلیل لطافت آب و هوا، کثرت باغ‌ها، فراوانی میوه و محصولات کشاورزی (برهن، ۱۳۸۵، ص ۱۴۳) و همچنین نقطه کانونی بودن در تجارت زمینی میان هند و ایران، از نظر تجاری نیز برای دولت صفوی و گورکانی اهمیت داشت. واقع شدن قندهار بر سر راه‌های تجاری غزنه-کابل-آسیای مرکزی و نیز تنها مسیر زمینی شرق بین ملتیان-لاهور و شمال هند، حقوق گمرکی زیادی نصیب دولت‌های صفویه یا هند می‌کرد. حجم وسیعی از تجارت این کشورها نیز از مسیر قندهار انجام می‌شد (منصوری مقدم و دیگران، ۱۴۰۰، ص ۱۲۵).

توصیف نویسنده از شهر قندهار و عبارتی از باغ‌های ایرانی، برگرفته از عبارت قرآنی «جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» است. این امر نقطه اوج تصویری است که از بهشت در قرآن توصیف شده است. کلمه «شجره» به ظاهر در این عبارت وجود ندارد، اما در معنا حس می‌شود. در مجمع‌البیان طبرسی آمده است که کلمه «روضه» به معنای زمین سبز و خرمی است که گیاهان به خوبی در آن می‌روید و کلمه «جنت» زمینی است که اطرافش درخت‌کاری شده باشد و در نتیجه «روضات الجنات» باغ‌های مشجری است که در وسط، زمین سبز و خرمی را فرا گرفته باشد. بسیاری از باغ‌های ایران این ویژگی را دارد. اعداد و مفاهیمی مانند چهارباغ، هشت‌بهشت، باغ در باغ، گردش آب و مانند آن ریشه در واژگان قرآنی دارد و به معماری و ترکیب‌بندی باغ‌های ایرانی و به تبع آن بسیاری از باغ‌های سایر کشورهای اسلامی و حتی اروپایی راه یافته است. تأثیر باغ‌سازی ایرانی در ورسای فرانسه و الحمرای اسپانیا شاهدهی بر این گفتار است (شرقی و تیموری، ۱۳۹۱، ص ۱۲۷).

از جمله آیات دیگری که مورد استناد نویسنده کتاب تاریخ جهان‌آرای عباسی قرار گرفته، آیه ۲۶ سوره آل‌عمران است: «تَوْتِي الْمَلِكُ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمَلِكُ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعْزِزُ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ». کنش گفتاری مستقیم این آیه نیز اظهاری است. این آیه در متن نامه شاه‌عباس ثانی به اورنگ‌زیب پادشاه هندوستان آمده است (فزونی، ۱۳۸۳، ص ۷۱۲). این آیه همچون دیگر آیات سوره آل‌عمران، در مدینه بر پیامبر ﷺ نازل شد و در جواب سؤال آن حضرت از خداوند بود؛ هنگامی که از خداوند خواست ملک فارس و روم برای امت وی باشد (محقق، ۱۳۸۴، ص ۱۱۲). مفسر معروف طبرسی در مجمع‌البیان دو شأن نزول برای آیه ذکر کرده است که هر دو یک حقیقت را تعقیب می‌کند. نخست، هنگامی که پیامبر ﷺ مکه را فتح کرد، به مسلمانان نوید داد که به‌زودی کشورهای ایران و روم نیز زیر پرچم اسلام قرار خواهد گرفت. منافقان که دل‌هایشان به نور ایمان روشن نشده بود و روح اسلام را درک نکرده بودند، این مطلب را اغراق‌آمیز تلقی کردند و با تعجب گفتند: محمد به مدینه و مکه قانع نیست و طمع در فتح ایران و روم دارد. در این هنگام، آیه مورد بحث نازل شد. دوم هنگامی که آن حضرت به اتفاق مسلمانان مشغول حفر خندق در اطراف مدینه بود و مسلمانان با نظم خاصی، گروه‌گروه و با سرعت و جدیت مشغول حفر خندق بودند تا پیش از رسیدن سپاه دشمن، این وسیله دفاعی تکمیل شود، ناگهان در میان خندق سنگ سفید بزرگ و سختی پیدا شد که مسلمانان از شکستن و حرکت دادن آن عاجز ماندند. سلمان به حضور پیامبر ﷺ رسید و جریان را عرض کرد. حضرت وارد خندق شد، کلنگ را از سلمان گرفت و محکم بر سنگ فرود آورد. از برخورد کلنگ با سنگ جرقه‌ای جستن کرد. پیامبر ﷺ تکبیر فتح و پیروزی گفت. مسلمانان نیز با او هم‌صدا شدند و آهنگ تکبیر در همه‌جا پیچید. بار دیگر پیامبر ﷺ کلنگ را بر سنگ فرود آورد و مجدداً جرقه‌ای جستن کرد و قسمتی از سنگ شکست و باز صدای تکبیر پیروزی پیامبر و مسلمانان، فضای اطراف را پر کرد. حضرت برای سومین بار کلنگ را بلند کرد و محکم بر بقیه سنگ کوبید. مجدداً از برخورد کلنگ با سنگ، جرقه‌ای جستن کرد و اطراف خود را روشن ساخت و بقیه سنگ نیز در هم شکسته شد و برای سومین بار صدای تکبیر در خندق پیچید. سلمان عرض کرد: «امروز وضع عجیبی از شما مشاهده کردم».

پیامبر ﷺ فرمود: ندر میان جرعه‌ای که بار اول جستن کرد، کاخ‌های حیره و مدائن را دیدم و برادرم جبرئیل به من بشارت داد که آن‌ها زیر پرچم اسلام قرار خواهد گرفت. در جرعه دوم کاخ‌های روم را دیدم و همو به من خبر داد که آن کاخ‌ها نیز در اختیار پیروانم قرار خواهد گرفت. در سومین جرعه، کاخ‌های صنعا و سرزمین یمن را دیدم و جبرئیل به من بشارت داد که مسلمانان بر آن پیروز می‌شوند و من در آن حال تکبیر پیروزی گفتم. ای مسلمانان، به شما مژده باد». مسلمانان راستین از خوشحالی در پوست نمی‌گنجیدند و خدا را شکر می‌کردند. اما منافقان چهره در هم کشیدند و با ناراحتی و به صورت اعتراض گفتند: «چه آرزوی باطل و چه وعده محالی؟! اینها از ترس جان خود حالت دفاعی به خویش گرفته‌اند و مشغول حفر خندق هستند و با آن دشمن محدود یارای جنگ ندارند، اما خیال فتح کشورهای بزرگ جهان را در سر می‌پروراند». در این موقع آیات مورد بحث نازل شد و به آن‌ها پاسخ گفت (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۷، ص ۱۶۹-۱۷۰ و ج ۲، ص ۱۸۸-۱۸۹).

از آیات دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد و قزوینی به آن استناد نموده است، آیه ۴ سوره صف است: «إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُورٌ». این آیه جزء آیات عاطفی و اظهاری در ظاهر و ترغیبی و اعلامی در باطن است. مؤلف تاریخ جهان‌آرای عباسی دو بار به این آیه استناد کرده است (قزوینی، ۱۳۸۳، ص ۳۷۸ و ۵۶۵). در این آیه مسئله اصلی جهاد است و نفس پیکار مطرح نیست. آنچه مهم است اینکه پیکار «فی سبیل الله» و همراه با اتحاد و انسجام کامل و همانند سدی فولادین باشد. از مهم‌ترین عوامل پیروزی در برابر دشمنان، انسجام و به هم پیوستگی صفوف در میدان نبرد است. نه تنها در نبردهای نظامی، بلکه در نبرد سیاسی و اقتصادی نیز جز از طریق وحدت، کاری ساخته نیست.

از دیگر آیات مورد استناد، آیه ۲۱۶ سوره بقره است. این آیه درباره حکم جهاد در راه خداست. خداوند در این آیه می‌فرماید جنگ بر مسلمانان واجب شده است، هر چند برای آن‌ها ناخوشایند باشد. بنابراین این آیه درباره جهاد و وجوب کفایتی آن است (طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۲۰۲). به گفته طبرسی، غیر از عطاء بن ابی رباح که وجوب جهاد را در این آیه مخصوص صحابه دانسته است، بقیه مفسران اجماع دارند که مخاطب آیه همه مسلمانان هستند (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۶۰). برخی گفته‌اند آیه مذکور بر این اصل کلی در زندگی بشر مشتمل است که محدود شدن به علم و دانش ناقص بشری، برای تعیین برنامه زندگی کافی و مطلوب نیست و انسان لازم است خود را به علم نامحدود الهی متصل کند. توجه به این حقیقت سبب تقویت روح تواضع و تسلیم در برابر احکام الهی در انسان شمرده شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۰۷)؛ از این رو مؤلف کتاب در شرح آمدن ولیعهد والی هندوستان به اتفاق سعدالله خان وزیر آن پادشاه به قصد تسخیر قندهار، به این آیه استناد کرده است (قزوینی، ۱۳۸۳، ص ۵۳۹).

از آیات دیگر آیه ۱۷۳ سوره صافات است. این آیه به وعده خداوند متعال برای پیروزی پیامبران و مؤمنان بر دشمنانشان اشاره دارد؛ بنابراین کنش گفتاری آن در ظاهر اظهاری و در باطن ترغیبی است. خداوند در این آیه می‌فرماید لشکر او، یعنی کسانی که از راه او هستند و به رسالت پیامبرانش ایمان آورده‌اند، همواره بر کافران و مخالفان خواهند غالب و مسلط بود. این وعده الهی مشروط به عبودیت و بندگی خدا، تلاش در راه حق و پابندی به آموزه‌های پیامبران است. این آیه نشان می‌دهد که خداوند همواره نصیر و معین پیامبران و مؤمنان است و آینده بشر همراه با پیروزی حق بر باطل است. این آیه در کتاب تاریخ جهان‌آرای عباسی، به تسخیر قندهار اشاره دارد (قزوینی، ۱۳۸۳، ص ۴۸۴). از آیات مورد استناد مهم در امور سیاسی و اجتماعی و نظامی، آیه ۱۵۹ سوره آل عمران است. شان نزول این آیه به جنگ احد بازمی‌گردد؛ زمانی که برخی از اصحاب پیامبر ﷺ به خاطر اطاعت نکردن از فرمان او و ترک موقعیت خود در کوه احد، ناراحت و مأیوس شدند. خداوند در این آیه به پیامبر ﷺ دستور داد که با مهربانی و بخشش با آنان رفتار و در امور مهم با آنان مشورت کند و پس از تصمیم‌گیری به

خداوند توکل نماید. این آیه نشان می‌دهد که خداوند به پیامبر ﷺ رحمت و معافیت فراوان داده است و از او می‌خواهد که همین رحمت و معافیت را به یاران خود نیز برساند. مؤلف کتاب مورد بحث در ذکر فتح قندهار به این آیه اشاره دارد (قزوینی، ۱۳۸۳، ص ۴۴۳).

از آیات دیگری که مورخان دوره صفویه به آن اشاره می‌کنند، آیات مربوط به خواب و رؤیاست؛ مثل آیه ۱۰۴ سوره صافات و آیه ۴ سوره یوسف. آیه نخست در مورد قصه قربانی ابراهیم و اسماعیل علیهم‌السلام و آیه دوم مربوط به داستان یوسف علیهم‌السلام و خوابی است که ایشان به پدرش حضرت یعقوب علیهم‌السلام گفت. مؤلف کتاب تاریخ جهان‌آرای عباسی داستان فتح قندهار را با استناد به این آیات، مورد تأیید خداوند دانست و به آن وجه مذهبی بخشید:

اعلی حضرت ظلّ رحمن به موجب امثال فرمان واجب الازعان داخل آن مکان نگشته، از همانجا روان گردیده، از خواب بیدار می‌گردند و پیوسته پیشنهاد ضمیر منیر و مطمح نظر کیمیا تأثیر آن بود که به فحوای کریمه «یا ابراهیم قَدْ صَدَّقْتَ الرَّؤْيَا» شاهد این خواب را که نور صدق از جبهه آن درخشان است، بر کرسی نشانند (قزوینی، ۱۳۸۳، ص ۴۴۱).

به طور کلی، پادشاهان صفوی از خواب و رؤیا به عنوان یک وسیله برای ارتباط با امامان شیعه، تأیید مقام خود، پیش‌بینی آینده و راهنمایی در مسائل سیاسی و مذهبی استفاده می‌کردند.

مقارن با شکل‌گیری حکومت صفویه در ایران، سلسله گورکانیان در هند تأسیس شد. شاهان این دو سلسله به تاسی از نیاکانشان، سعی در استمرار روابط حسنه و غیر خصمانه داشتند؛ اما مسئله قندهار همواره بر این روابط دوستانه تأثیرگذار بود. اداره این منطقه، به جنگ یا با سیاست، به طور متناوب در اختیار ایران و هند قرار داشت. جایگاه قندهار برای شاهان صفوی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود (منصوری مقدم و دیگران، ۱۴۰۰، ص ۱۲۱).

تملك قندهار، هم برای گورکانیان و هم برای صفویان اهمیت فراوان داشت. در مسیر این شهر به خراسان قلعه‌های مستحکمی وجود نداشت؛ بنابراین با از دست دادن قندهار، موقعیتی خطرناک برای ناحیه خراسان به وجود می‌آمد و مناطق شرقی ایران از سوی هند و حتی ازبکان تهدید می‌شد. از سوی دیگر، تصرف قندهار جهت حفظ امنیت شهر کابل و غزنه برای گورکانیان حیاتی بود (ریاض‌الاسالم، ۱۳۷۳، ص ۳۸). کنترل افغان‌های غلزایی و ابدالی و سرکوب شورش‌های آنان که در بخش وسیعی از ایالت قندهار سکونت داشتند، فقط با حکمرانی بر این شهر ممکن بود؛ موضوعی که حتی در اوج تنش میان دو دولت صفوی و بابری نیز حاکمان بر آن تأکید می‌کردند (منصوری مقدم و دیگران، ۱۴۰۰، ص ۱۲۵).

از موارد دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد آیات مربوط به وفای به عهد است. آیه ۹۱ سوره نحل و آیه ۳۴ سوره اسراء در این موضوع است. آیه نخست به موضوع عهد و سوگند پرداخته و مسلمانان را به وفاداری به پیمان‌های خود با خدا و یکدیگر تشویق کرده است. این آیه بخشی از مجموعه آیاتی است که درباره اخلاق و رفتار اسلامی سخن می‌گوید. آیه دوم نیز به موضوع وفای به عهد و پیمان پرداخته و مسلمانان را به رعایت حقوق یکدیگر در معاملات و تعاملات تشویق کرده است. در کتاب تاریخ جهان‌آرای عباسی در ذکر آمدن ایلچی پادشاه روم به ایران جهت تشیید مبانی مصالحه، به این آیات استناد شده است (قزوینی، ۱۳۸۳، ص ۳۹۱).

رویکرد صلح و بستن پیمان در مقابل حریف نیرومند، از شگردهای صفویان برای بقای حکومت بعد از جنگ چالدران بود. یکی از آیاتی که به این امر اشاره دارد، آیه ۱۲۸ سوره نساء است. این آیه در خصوص صلح بین زوجین است. در این آیه آمده است که اگر زنی از شوهر خویش بیم ناسازگاری یا روگردانی داشته باشد، بر آن دو گناهی نیست که از راه صلح با یکدیگر، به آشتی گرایند؛ چراکه سازش بهتر است. اما در کتاب تاریخ جهان‌آرای عباسی و در ذکر هجوم سلطان سلیمان برای بار چهارم آمده است:

شاه جنت مکان سنان بیگ را مصحوب شاه علی بیگ قورچی قاجار فرستاد و شاه علی بیگ قورچی نهایت اعزاز و اکرام دیده بازگشت و فرخزاد بیگ ایشیک آقاسی قرا داغلو به ایلچیگری و استحکام مبانی مصالحه مأمور شد و از جانب سلطان سلیمان نیز ایلچیان معتمد آمده، محالّ متنازع فیه، بعضی به آن طرف و بعضی به این طرف قرار گرفت و صلح به وقوع انجامیده: «الصُّلْحُ خَيْرٌ» تاریخ آن گشت و تا نواب جنت مکان در حیات بود، صلح استقرار داشت» (فزونی، ۱۳۸۳، ص ۵۶).

از سوی دیگر به نظر می رسد شاه صفوی سعی داشتند تا اختلافات خود را با امپراتوری عثمانی حل کنند؛ از این رو در استنادات قرآنی می بینم که به آیه ۱ سوره انفال استناد می کنند (فزونی، ۱۳۸۳، ص ۳۸۵). این آیه در رابطه با غنایم جنگ بدر نازل شده است. در این آیه خداوند به پیامبر ﷺ می فرماید که غنایم جنگ مخصوص خدا و پیامبر ﷺ است و مسلمانان باید از خدا بترسند و اختلافات و خصومت هایی را که در میان خود دارند، اصلاح کنند و اگر ایمان دارند، از خدا و پیامبرش اطاعت کنند. این آیه نشان می دهد که مسلمانان باید با یکدیگر همبستگی و همدلی داشته باشند و به فرمان خدا و پیامبرش عمل کنند.

از آیات دیگری که می توان به آن اشاره کرد، دو آیه ۱۹ و ۲۲ سوره الرحمن است. این دو آیه به دو دریا در کنار هم و استخراج لؤلؤ و مرجان از آن اشاره دارد. در تاریخ جهان آرای عباسی و در ذکر تسخیر ولایت بحرین، به این دو آیه اشاره شده است که «توسط اللّٰه ویردی خان حاکم فارس، به مصداق «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ... يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ» مفتوح گردید» (فزونی، ۱۳۸۳، ص ۱۵۰).

در ادامه، آیات مورد استناد کتاب و کنش های مستقیم و غیر مستقیم آن در یک جدول نشان داده می شود.

جدول شماره ۱: آیات و نوع کنش گفتاری مستقیم و غیر مستقیم

آیه مورد استناد در قرآن و تاریخ جهان آرای عباسی	کنش های گفتاری آیات	کنش گفتارهای غیر مستقیم
«جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» ص ۲۴، ۳۰۷، ۷۱۴ (بقره: ۲۵ و جاهای دیگر)	اظهاری	ترغیبی-تعهدی
«إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» ص ۲۵۲ (بقره: ۳۰)	اظهاری	اعلامی
«فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ» ص ۳۹۱ (بقره: ۱۸۱)	اظهاری	اعلامی
«وَلَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» ص ۶۰۷ (بقره: ۱۹۵)	ترغیبی	اعلامی
«وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يَحِبُّ الْفُسَادَ» ص ۴۵۱ (بقره: ۲۰۸)	اظهاری	ترغیبی
«وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ» ص ۵۳۹ (بقره: ۲۱۶)	اظهاری	ترغیبی
«تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُدْلِلُ مَنْ تَشَاءُ» ص ۷۱۲ (آل عمران: ۲۶)	اظهاری	عاطفی-ترغیبی
«ادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» ص ۴۵۲ (آل عمران: ۱۰۳)	ترغیبی	اعلامی
«وَالصُّلْحُ خَيْرٌ» ص ۵۶ و ۲۹۳ (آل عمران: ۱۲۸)	اظهاری	ترغیبی-اعلامی
«وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» ص ۴۴۳ (آل عمران: ۱۵۹)	ترغیبی	اعلامی
«كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» ص ۷۳۳ و ۵۱۰ (آل عمران: ۱۸۵)	اظهاری	اعلامی

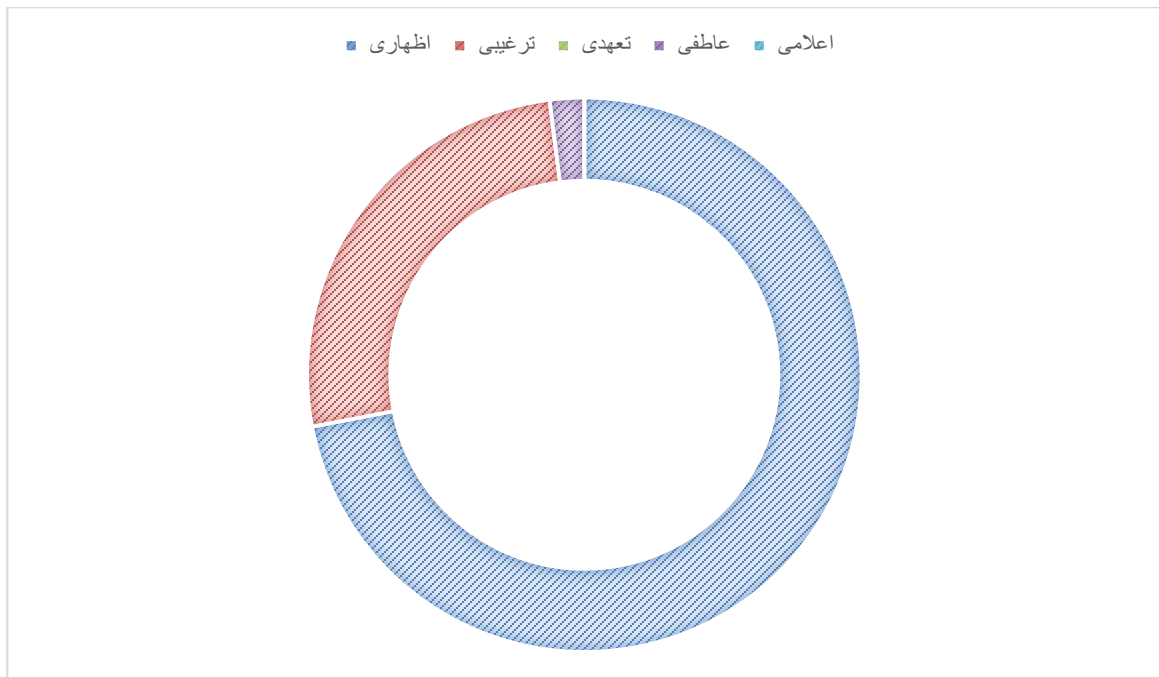
ترغیبی	عاطفی	«رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا» ص ۲۵۲ (آل عمران: ۱۹۱)
ترغیبی	اظهاری	«أَيُّهَا تَكُونُوا يَدْرِكِكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ» ص ۳۹۸ (نساء: ۷۸)
ترغیبی-اعلامی	اظهاری	«فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً» ص ۲۴۴ (اعراف: ۳۴)
ترغیبی-اعلامی	اظهاری	«إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» ص ۷۱۲ (اعراف: ۱۲۸)
اعلامی	ترغیبی-ترغیبی	«وَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ» ص ۳۸۵ (انفال: ۱)
ترغیبی	اظهاری	«سَاوِي إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ» ص ۲۶۸ (هود: ۴۳)
اعلامی	ترغیبی	«وَعِصَاصُ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ» ص ۶ و ۲۶۹ (هود: ۴۴)
اعلامی	اظهاری	«عَالِيهَا سَافِلُهَا» ص ۴۰۴ (هود: ۸۲)
اعلامی	اظهاری	«سَمِعَ شِدَادًا» ص ۴ (یوسف: ۴۸)
ترغیبی	اظهاری	«لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ» ص ۶۵۱ و ۷۵۲ (رعد: ۳۸)
اعلامی	ترغیبی	«لَا مُعَقَّبَ لِحُكْمِهِ» ص ۶۵۹ و ۷۴۱ (رعد: ۴۱)
ترغیبی	اظهاری	«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» ص ۴۵۱ (نحل: ۹۰)
اعلامی	ترغیبی	«وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا» ص ۳۹۱ (نحل: ۱۶)
اعلامی	ترغیبی	«وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» ص ۳۹۱ (اسراء: ۳۴)
اعلامی	ترغیبی	«فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَاةً وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا» ص ۶۱۳ (كهف: ۹۸)
اعلامی	اظهاری	«وَفَارَ التَّنُورُ» ص ۲۶۸ (مؤمنون: ۲۷)
اظهاری	اظهاری	«هَذَا عَذَبٌ فُرَاتٌ» ص ۲۰ (فرقان: ۵۳)
ترغیبی	اظهاری	«كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» ص ۳۸۴ (عنكبوت: ۵۷)
ترغیبی	اظهاری	«الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا» ص ۴۵۱ (یس: ۸۰)
اعلامی	اظهاری	«إِذَا أَرَادَ اللَّهُ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» ص ۳۱۲ (یس: ۸۲)
ترغیبی	اظهاری	«يَا إِبْرَاهِيمُ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا» ص ۴۴۱ (صافات: ۱۰۵)
ترغیبی	اظهاری	«وَإِنْ جُنَدْنَا لَهُمُ الْعَالِيُونَ» ص ۴۸۶ (صافات: ۱۷۳)
ترغیبی	اظهاری	«فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيْمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا» ص ۴۸۸ (غافر: ۸۵)
ترغیبی	اظهاری	«يُدُّ اللَّهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» ص ۵ (فتح: ۱۰)
ترغیبی	اظهاری	«هَلْ مِنْ مَزِيدٍ» ص ۲۶۹ (ق: ۳۰)
اظهاری	اظهاری	«سِدْرَةَ الْمُنْتَهَىٰ» ص ۴، ۵، ۵۶۴ و ۶۶۳ (نجم: ۱۴)
ترغیبی	اظهاری	«مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ» ص ۱۵۰ (الرحمن: ۱۹)
ترغیبی	اظهاری	«يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ» ص ۱۵۰ (الرحمن: ۲۲)
ترغیبی	اظهاری	«السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» ص ۵۸۶ (واقعه: ۱۰ و ۱۱)
ترغیبی-اعلامی	اظهاری	«ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» ص ۳۸۵ (حديد: ۲۱)

ترغیبی	اظهاری	«بُنِيَانٌ مَّرْصُوصٌ» ص ۳۷۸ و ۵۶۵ (صف: ۴)
ترغیبی-اعلامی	عاطفی-اظهاری- ترغیبی-اظهاری	«تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ» ص ۴۵۰ (ملک: ۱ و ۲)
اعلامی	ترغیبی	«ن وَالْقَلَمِ» ص ۳۵۰ (قلم: ۱)
اعلامی	ترغیبی	«أُزْجِعِي» ص ۵۶۰، ۶۵۱ (فجر: ۲۸)
اعلامی	اظهاری	«لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» ص ۱۶ و ۲۵۲ (تین: ۴)
اعلامی	اظهاری	«لَيْلَةَ الْقَدْرِ» ص ۷۱۰ (قدر: ۳)

با توجه به جدول شماره ۱، بیشترین کنش گفتاری استنادات قرآنی تاریخ جهان‌آرای عباسی با تعداد ۳۶ مورد از ۵۰ مورد و ۷۲ درصد، مربوط به کنش‌های اظهاری است. کنش‌های ترغیبی با ۱۳ مورد و ۲۶ درصد در مرتبه بعد بیشترین استنادات قرار دارد. همچنین یک مورد (دو درصد از کنش‌ها به کنش‌های عاطفی اختصاص دارد و در نهایت هیچ موردی از کنش‌های تعهدی و اعلامی دیده نمی‌شود.

جدول شماره ۲: فراوانی انواع کنش‌گفتارها در استنادات قرآنی

ردیف	اظهاری (assertive)	تحریکی یا ترغیبی (directives)	التزامی یا تعهدی (commissives)	ابرازی یا عاطفی (expressives)	اعلامی یا اعلانی (declarations)	جمع کل
تعداد	۳۶	۱۳	-	۱	-	۵۰
درصد	۷۲	۲۶	-	۲	-	۱۰۰



نمودار فراوانی انواع کنش‌گفتارها در استنادات قرآنی

نتیجه‌گیری

سؤالی که در این پژوهش به دنبال پاسخ به آن بودیم این بود که استنادات قرآنی کتاب تاریخ جهان‌آرای عباسی چگونه و بسامد هر کنش‌گفتار به چه میزان بوده است؟ همان‌طور که نشان داده شد، بیشترین نوع کنش‌های گفتاری در استنادات قرآنی کتاب جهان‌آرای عباسی با تعداد ۳۶ مورد از مجموع ۵۰ مورد (۷۲ درصد) از نوع کنش‌های اظهاری است. همان‌طور که بیان شد، اگر بیشتر کنش‌های گفتاری یک متن اظهاری باشد، نشانه‌ای از نوع متن و هدف نویسنده است. این نوع کنش در قرآن برای بیان حقایق و اطلاعات مهم استفاده می‌شود. به‌عنوان مثال، آیاتی که به توصیف، تأکید، گزارش دادن و نقد کردن می‌پردازد، در این دسته قرار می‌گیرد. این کنش‌ها معمولاً در متون خبری، علمی، تاریخی و مانند آن کاربرد دارد که نویسنده در آن‌ها به دنبال انتقال اطلاعات است و نظر شخصی خود را بیان نمی‌کند؛ از این‌رو می‌توان نتیجه گرفت که مؤلف کتاب تاریخ جهان‌آرای عباسی سعی دارد تا بیشتر به تشریح و انتقال اطلاعات اوضاع زمانه خود بپردازد. اساساً تاریخ‌نگاری دوره صفویه از این قاعده مستثنی نیست و مورخان غالباً انتقال‌دهندگان اطلاعات و اخبار هستند تا تبیین‌کننده مسائل روز. همان‌طور که نشان داده شد، بیشترین کنش‌های غیرمستقیم به کنش‌های ترغیبی اختصاص داشت. این نوع کنش برای تشویق یا ترغیب مخاطب به انجام یک عمل خاص به کار می‌رود. مثلاً پیشنهاد دادن، شرط‌بندی کردن و پرسش‌های اعتراض‌آمیز می‌تواند جزء این دسته باشد. با توجه به فراوانی کنش‌گفتارهای غیرمستقیم ترغیبی در بین کنش‌های گفتاری کتاب، می‌توان گفت مؤلف سعی داشته است به ترغیب مخاطبان نسبت به مسائل جامعه صفویه و مخصوصاً مسائل نظامی بپردازد. درنهایت این دو نوع کنش گفتاری در قرآن کریم به منظور راهنمایی و هدایت انسان‌ها برای درک بهتر مفاهیم الهی و ارزش‌های اخلاقی به کار گرفته شده است. قرآن از طریق کنش‌های اظهاری، حقایق و دانش را به مخاطب ارائه می‌دهد؛ در حالی که کنش‌های ترغیبی برای تشویق به انجام کارهای نیک و پرهیز از کارهای بد به کار می‌رود؛ از این‌رو هنگامی که این دو نوع کنش گفتاری در استنادات متون دوره صفویه با تأکید بر کتاب تاریخ جهان‌آرای عباسی استفاده می‌شود، هدف نویسنده را نشان می‌دهد. به تعبیر دیگر، این دو نوع کنش در تعامل با یکدیگر، یک سیستم آموزشی کامل را ایجاد می‌کند که هم دانش و هم انگیزه را برای مخاطبان فراهم می‌آورد.

فهرست منابع


- قرآن کریم.
- آرام، محمدباقر. (۱۳۸۶). اندیشه تاریخ‌نگاری عصر صفوی. امیرکبیر.
- برهن، چندربهان. (۱۳۸۵). چهار چمن (سیدمحمدیونس جعفری، مصحح). مرکز تحقیقات رازینی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
- دست‌آموز، سعیده؛ و محمدی، محمدرضا. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر کنش‌های گفتاری غیرمستقیم با ساختار پرسشی بر روند گفت‌وگو از منظر زبان روسی. دو ماهنامه جستارهای زبانی، (۱)۷، ۳۹-۵۷.
- دهقان‌نژاد، مرتضی. (۱۳۸۴). نقش راهبردی قندهار در روابط ایران و هند در دوران صفویه. نامه انجمن زمستان، (۲۰)۵، ۳۷-۶۰.
- ذکاوتی فراگزلو، علیرضا. (۱۳۸۳). اسباب النزول (ذکاوتی، مترجم). نشر نی.
- ریاض‌الاسلام. (۱۳۷۳). تاریخ روابط ایران و هند (در دوره صفویه و افشاریه) (محمدباقر آرام و عباسقلی غفاری فرد، مترجم). امیرکبیر.
- سرل، جان آر. (۱۳۸۷). افعال گفتاری؛ جستاری در فلسفه زبان. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- شرفی، علی؛ و تیموری، محمد. (۱۳۹۱). کاوشی پیرامون تأثیر عبارت قرآنی «جنات تجری من تحتها الانهار» بر باغ‌سازی ایرانی. علوم و تکنولوژی محیط زیست، (۱)۱۴، ۱۲۷-۱۴۰.
- صفوی، کوروش. (۱۳۸۷). درآمدی بر معنی‌شناسی. سوره مهر.
- طهرسی، فضل‌بن حسن. (۱۳۶۰). مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن. انتشارات فراهانی.
- طوسی، محمدبن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. دار احیاء التراث العربی.
- عابدینی، جواد. (۱۳۹۹). سرل و علوم انسانی؛ تحلیل فلسفی واقعیت اجتماعی از دیدگاه جان سرل و پیامدهای آن برای علوم انسانی. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- غفرانی، علی و همکاران. (۱۴۰۲). تحلیل کنش‌های گفتاری در استنادات قرآنی منابع دوره صفویه (مطالعه موردی تاریخ ایلچی نظام‌شاه). پژوهش‌های نوین در گستره تاریخ، فرهنگ و تمدن شیعه، (۲)۲، ۱۳۷-۱۰۹. *Doi: 20.1001.1.29809185.1402.2.2.5.1*
- قاسمی، علی؛ و بنشاخته، محمد. (۱۴۰۰). تأثیر عناصر کلامی در بینش و روش تاریخ‌نویسی دوره صفویه. شیعه‌شناسی، (۷۴)۱۹، ۱۵۰-۱۰۵. *Doi: 10.22034/shistu.2022.533214.2084*
- قرشی، سیدعلی‌اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن. دار الکتب الإسلامية.
- قروینی، میرزا محمدطاهر وحید. (۱۳۸۳). تاریخ جهان‌آرای عباسی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- لاهیجی، علی‌بن شمس‌الدین بن حاجی حسین. (۱۳۵۲). تاریخ خانی شامل حوادث چهل ساله گیلان (منوچهر ستوده، مصحح). نشر بنیاد فرهنگ ایران.
- متولی، عبدالله؛ و محمدی، رضا. (۱۴۰۲). تحلیل کنش‌های گفتاری در استنادات قرآنی منابع دوره صفویه (مطالعه موردی کتاب خلد برین). دو فصلنامه مطالعات اجتماعی قرآن، (۱)۲، ۱۱۵-۹۶. *Doi: 10.22084/qss.2024.28794.1015*
- متولی، عبدالله. (۱۳۹۱). بازتاب رویکردهای مذهبی در مراسلات عصر صفوی. مطالعات تاریخ اسلام، ۴ (۱۲)، ۱۶۹-۱۹۱. *Doi: 20.1001.1.22286713.1391.4.12.7.5*
- محقق، محمدباقر. (۱۳۸۴). نمونه بینات در شأن نزول آیات از نظر شیخ طوسی و سایر مفسرین خاصه و عامه. اندیشه اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران دار الکتب الإسلامية.
- منصوری مقدم، محمد و همکاران. (۱۴۰۰). اهمیت استراتژیک قندهار و تأثیر آن بر روابط صفویان با گورکانیان هند (دوره سلطنت شاه‌عباس اول). فصلنامه تاریخ روابط خارجی، (۸۹)۲۳، ۱۳۸-۱۲۱. *Doi: 20.1001.1.17352010.1400.23.89.6.6*
- یارمحمدی، لطف‌الله. (۱۳۸۵). گفتارشناسی رایج انتقادی. سمت.
- Dirven, Rene & Verspoor, Marjolijn. (2004). *Cognitive Exploration of Language and Linguistics*. John Benjamins Publishing Company.
- Fotion, Nicholas. (2014). John Searle. Taylor & Francis.
- Green, Mitchell. (2020). *Speech Acts*. Stanford Encyclopedia of Philosophy. <https://plato.stanford.edu/entries/speech-acts>
- <https://rch.ac.ir/article/Details/7219>
- Searl, john R. (1969). *speech Acts: an Essay in the philosophy of language*. Cambridge university press.
- Youle, George. (1996). *pragmatics*. Oxford university press.

An Analysis of Speech Acts in Quranic Citations from Safavid Era Sources (A Case Study of Tarikh-e Jahanara-ye Abbasi)

Received: 2023/12/31
Accepted: 2024/08/04

10.22034/jksl.2024.433390.1305 

Abdollah Motavalli * 

Reza Mohammadi ** 

20.1001.1.27833356.1403.5.3.6.8 

Type of Article: Research

Introduction

The Safavid era is considered one of the most important periods in Iranian history. Understanding the characteristics of this era's history is possible through the remaining texts. Some frequently used concepts in these texts strongly align with the dominant religious approaches in the power structure. The frequent use of Quranic verses and hadiths, especially in cases that emphasize Shi'a rituals, is evident in these writings. One of the prominent sources from this period is the book *Tarikh-e Jahangoshay-e Abbasi*. This article aims to analyze the speech acts and Quranic citations in this book using both quantitative and qualitative data. The key question is: How are the Quranic citations in this book used, and what is the frequency of each type of speech act?

Theory and Methodology

Speech act theory is one of the most important linguistic theories, developed by Austin and expanded by John Searle. This theory examines the relationship between language and social actions, emphasizing that linguistic expressions are more than just symbols and structures; they hold social and cultural significance. John R. Searle, one of the key theorists of speech act theory, identifies five basic types of speech acts, each with distinct characteristics:

۱. Assertive Acts: The speaker expresses their belief about the truth or falsehood of a matter.
۲. Directive Acts: The goal is to persuade the listener to do something and place them under obligation to perform an action.
۳. Commissive Acts: The speaker commits themselves to performing an action in the future.
۴. Expressive Acts: These acts convey the speaker's emotions and feelings, such as gratitude, apologies, congratulations, or insults.

* Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Arak University, Arak, Iran.

** Postdoctoral Researcher, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Arak University, Arak, Iran (Author Corresponding). reza.muhammadi90@gmail.com



Δ. Declarative Acts: These acts declare new conditions for the listener. The speaker creates changes through their declarations, and this act relies on the speaker's authority to bring about new events ([Abedini, 2019, pp. 52-53](#)).

Research Findings

As mentioned, speech act theory does not merely focus on the literal meaning of phrases but also considers the contextual, temporal, cultural, and political factors referred to as the "context," which includes the unspoken elements of a text ([Yarmohammadi, 2006, p. 35](#)). Therefore, since the context of the cited Quranic verses is of special importance, we must examine the context of the referenced verses. Due to the large number of verses, only one example is discussed.

Verse 25 of Surah Al-Baqarah, "Gardens beneath which rivers flow," is frequently cited in *Tarikh-e Jahangoshay-e Abbasi* ([Qazvini, 2004, pp. 24, 307, 714](#)). This verse describes paradise, making its direct speech act assertive in nature. It is referenced in Shah Abbas II's letter to Aurangzeb, the emperor of India, concerning his determination to capture Qandahar. Shah Abbas fought over Qandahar with the Indian army several times between 1059 and 1068 AH. Aside from a six-month period (in 1068 AH) when Qandahar was occupied by the Indians, the Safavids were consistently victorious. In the Safavid era, Qandahar was valued not only for its pleasant climate and abundance of gardens, fruit, and agricultural products ([Barhman, 2006, p. 143](#)), but also because it was a central point for land trade between India and Iran. Located along the trade routes of Ghazni-Kabul-Central Asia, as well as the sole land route between Multan-Lahore and northern India, Qandahar generated significant customs revenue for the Safavid or Indian governments. A large volume of trade between these countries passed through Qandahar ([Mansuri-Moghadam et al., 2021, p. 125](#)).

Total	declarations()	expressives()	commissives()	directives()	assertive()	
۵۰	-	۱	-	۱۳	۳۶	Number
۱۰۰	-	۲	-	۲۶	۷۲	Percent

Conclusion

The central question of this study was: How are Quranic citations used in *Tarikh-e Jahangoshay-e Abbasi*, and what is the frequency of each type of speech act? As shown, the most common type of speech act in Quranic citations within *Tarikh-e Jahangoshay-e Abbasi* is assertive, with 36 out of 50 instances (72%).

These acts are typically used in news, scientific, or historical texts where the writer intends to convey information rather than personal opinion. Thus, the author of *Tarikh-e Jahangoshay-e Abbasi* aimed primarily to explain and convey the conditions of his time.

As demonstrated, the most common indirect speech acts are directive acts, used to encourage or persuade the audience to take a specific action. Given the frequency of indirect directive speech acts in the text, the author sought to motivate the audience regarding Safavid societal issues, particularly military matters. Ultimately, these two types of speech acts in the Quran serve as guidance for humanity, helping them to better understand divine concepts and moral values. Therefore, when these two types of speech acts are used in the Quranic citations of Safavid-era texts, particularly in *Tarikh-e Jahangoshay-e Abbasi*, they reflect the author's intent. In other words, the combination of these two types of acts creates a complete educational system, providing both knowledge and motivation for the audience.

Keywords: Speech Act Theory, John Searle, Quranic Citations, Safavid Era, Tarikh-e Jahanara-ye Abbasi.



References

The Holy Quran.

Abedini, Javad. (2020). Searle and the Humanities: A Philosophical Analysis of Social Reality from John Searle's Perspective and Its Implications for the Humanities. Islamic Sciences and Culture Academy. [In Persian]

Aram, Mohammad Baqer. (2007). The Historiography Thought in the Safavid Era. Amir Kabir. [In Persian]

Brahman, Chander Bhan. (2006). Char Chaman (Seyyed Mohammad Younes Jafari, Ed.). The Research Center of the Cultural Consultancy of the Islamic Republic of Iran. [In Persian]

Dastamooz, Saeedeh, & Mohammadi, Mohammad Reza. (2016). An Examination of the Impact of Indirect Speech Acts with Interrogative Structures on the Course of Dialogue from the Perspective of Russian Language. *Linguistic Essays*, 7(1), 39–57. [In Persian]

Dehghan Nejad, Morteza. (2005). The Strategic Role of Qandahar in Iran-India Relations During the Safavid Period. *Nama-ye Anjoman Zemestan*, 5(20), 37–60. [In Persian]

Dirven, Rene & Verspoor, Marjolijn. (2004). Cognitive Exploration of Language and Linguistics. John Benjamins Publishing Company.

Fotion, Nicholas. (2014). John Searle. Taylor & Francis.

Ghasemi, Ali, & Bensakhte, Mohammad. (2021). The Influence of Verbal Elements on the Vision and Method of Historiography in the Safavid Era. *Shia Studies*, 19(74), 105–150. Doi: 10.22034/SHISTU.2022.533214.2084 [In Persian]

Ghofrani, Ali, et al. (2023). Analyzing Speech Acts in Quranic References in Safavid-Era Sources: A Case Study of Ilchi Nizam Shah's History. *Modern Research in Shiite History, Culture, and Civilization*, 2(2), 109–137. Dor: 20.1001.1.29809185.1402.2.2.5.1 [In Persian]

Green, Mitchell. (2020). Speech Acts. Stanford Encyclopedia of Philosophy: <https://plato.stanford.edu/entries/speech-acts>
<https://rch.ac.ir/article/Details/7219>

Lahiji, Ali ibn Shams al-Din ibn Haji Hossein. (1973). The History of Khan, Including Forty Years of Events in Gilan (Manouchehr Sotoudeh, Ed.). Iranian Culture Foundation Publications. [In Persian]

Makarem Shirazi, Naser, et al. (1995). Tafsir Nemuneh. Dar al-Kutub al-Islamiya. [In Persian]

Mansouri-Moghadam, Mohammad, et al. (2021). The Strategic Importance of Qandahar and Its Impact on Safavid Relations with the Mughal Empire of India (The Reign of Shah Abbas I). *Journal of Foreign Relations History*, 23(89), 121–138. Dor: 20.1001.1.17352010.1400.23.89.6.6 [In Persian]

Mohaqqeq, Mohammad Baqer. (2005). Beyanat: A Sample of the Context of Revelation from Shaykh Tusi and Other Sunni and Shia Commentators. *Islamic Thought*. [In Persian]

Motevali, Abdollah, & Mohammadi, Reza. (2023). Analyzing Speech Acts in Quranic References in Safavid-Era Sources: A Case Study of Khold-e Barin. *Social Studies of the Quran*, 2(1), 96–115. Doi: 10.22084/qss.2024.28794.1015 [In Persian]

Motevali, Abdollah. (2012). The Reflection of Religious Approaches in Safavid Correspondence. *Islamic History Studies*, 4(12), 169–191. Dor: 20.1001.1.22286713.1391.4.12.7.5 [In Persian]

Qazvini, Mirza Mohammad Taher Vahid. (2004). The History of Jahanara-ye Abbasi. The Research Center of Humanities and Cultural Studies. [In Persian]

Qurashi, Seyyed Ali Akbar. (1992). Qamoos al-Quran. Dar al-Kutub al-Islamiya. [In Persian]

Riaz al-Islam. (1994). The History of Iran-India Relations during the Safavid and Afsharid Periods (Mohammad Baqer Aram & Abbasqoli Ghafari Fard, Trans.). Amir Kabir. [In Persian]

Safavi, Kourosh. (2008). An Introduction to Semantics. Sooreh Mehr. [In Persian]

Searl, John R. (1969). speech Acts: an Essay in the philosophy of language. Cambridge university press.

Searle, John R. (2008). Speech Acts: An Essay in the Philosophy of Language. Islamic Sciences and Culture Academy. [In Persian]

Sharqi, Ali, & Teymouri, Mohammad. (2012). An Exploration of the Impact of the Quranic Phrase "Gardens Underneath Which Rivers Flow" on Iranian Garden Design. *Environmental Science and Technology*, 14(1), 127–140. [In Persian]

- Tabarsi, Fazl ibn Hasan. (1981). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran*. Farahani Publications. [In Arabic]
- Tusi, Mohammad ibn Hasan. (n.d.). *Al-Tebyan fi Tafsir al-Quran*. Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
- Yarmohammadi, Lotfollah. (2006). *Critical Discourse Analysis*. SAMT. [In Persian]
- Youle, George. (1996). *pragmatics*. Oxford university press.
- Zekavati Qaragozlu, Alireza. (2004). *Asbab al-Nuzul* (Zekavati, Trans.). Nashr Ney. [In Persian]

How to cite:

motevali, A., & mohammadi, R. (2024). An Analysis of Speech Acts in Quranic Citations from Safavid Era Sources (A Case Study of Tarikh-e Jahanara-ye Abbasi). *Quran, Culture And Civilization*, 5 (3), 119 -136. doi: 10.22034/jksl.2024.433390.1305

COPYRIGHTS

@2023 by the authors. Licensee University of Quranic Studies and Sciences this article an open access article distributed under the term and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CCBY 4.0)

<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

